روی موج کوتاه

نیکزاد:

«طرح مقابله با نفوذ بیگانگان» همچنان در دستور کار مجلس است

نایب‌رئیس مجلس گفت که قالیباف، رئیس مجلس قولی نداده است که «طرح مقابله با نفوذ بیگانگان» از دستور مجلس خارج شود و بر خلاف اظهارات عارف، این طرح همچنان در دستور کار مجلس است علی نیکزاد در جلسه علنی و بیناری سه شنبه، ۳ شهریور در پاسخ به تذکر تعدادی از نمایندگان درباره اظهارات اخیر عارف معاون اول رئیس جمهور، مبنی بر اینکه قالیباف قول داده «طرح مقابله با نفوذ بیگانگان» از دستور مجلس خارج شود، گفت امروز صبح آقای قالیباف را دیدم و این موضوع را به ایشان گفتم. پاسخ آقای قالیباف این بود که چنین قولی نداده و چنین صحبتی نکرده که طرح از دستور کار مجلس خارج شود. وی افزود: اگر نمایندگان ایراد و ابهامی نسبت به مواد طرح داشته باشند، آن مواد برای بررسی بیشتر به کمیسیون از جاع خواهد شد.

■■■

تشکیل پرونده برای ۱۱۵ دانشجو به دلیل حوادث دی ماه

۶ دانشجوی دانشگاه شریف اخراج شدند

معاون دانشجویی دانشگاه شریف گفت: تاکنون ۶ دانشجوی شریف حکم اخراج گرفته‌اند که برخی در شورای تجدید نظر نیز تأیید و برای شورای مرکز ارسال شده‌اند. یک مورد نیز در شورای مرکز تأیید و به دانشجو ابلاغ شده است. به گزارش فارس، محمود بهمن آبادی افزود: در پرونده مربوط به ناآرامی های اسفند ماه، مواردی مانند درگیری فیزیکی، ایجاد آشوب، حمل سلاح سرد، توهین به پرچم و برخی تخلفات فضای مجازی مورد بررسی قرار گرفته است. در این خصوص ۲۲۶ دانشجو به شورای انضباطی معرفی شدند که برای ۱۱۵ نفر، به دلیل وجود مستندات کافی پرونده تشکیل شد. به گفته وی، حدود ۴۰ نفر با تخلفات جدی‌تر به شورای انضباطی دعوت شدند و برای سایر افراد، گفت‌وگو و دریافت تعهد کتبی بدون درج در پرونده در نظر گرفته شد.

■■■

منبع نزدیک به تیم مذاکره کننده: عاصم منیر حامل پیام تهدید آمریکا نبود

یک منبع نزدیک به تیم مذاکره کننده ایرانی به تسنیم گفت: برخلاف آنچه بعضی رسانه‌ها گفته‌اند عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان که روز گذشته به ایران سفر کرده بود حامل پیام تهدید یا پیام مشابه از ناحیه آمریکا نبود بلکه به دنبال باز کردن فضای مذاکرات بود و به دنبال این بود که شروط و مواضع ایران را به طرف آمریکایی منتقل کند. وی افزود: در دیدارهای صورت گرفته با آقای منیر، مواضع ایران به صورت شفاف به طرف پاکستانی اعلام شد. این منبع مطلع خاطرنشان کرد: بازگشت آمریکا به تفاهمنامه اسلام آباد و اجرای مفاد آن که شامل بند ۵ یعنی ترتیبات ایرانی بر تنگه هرمز می شود، جزو شروط ایران است و این موضوع به واسطه پاکستانی اعلام شد و طرف پاکستانی به دنبال انتقال آن به طرف آمریکایی است.

■■■

وزارت خارجه قطر: تلاش برای میانجی‌گری تهران و واشنگتن ادامه دارد

سخنگوی وزارت خارجه قطر گفت تلاش های ما برای تضمین بازگشت و از سرگیری مذاکرات میان آمریکا و ایران ادامه دارد. ماجد الانصاری گفت: تحریم‌های آمریکا علیه ایران یک جانبه است و ما از تلاش های میانجیگرانه برای حل بحران حمایت می کنیم. قطر به تلاش هایش برای میانجی گری میان آمریکا و ایران ادامه می دهد، اما تحولی جدیدی در این پرونده رخ نداده است. وی افزود: ما از روز اول تأکید کرده‌ایم که هر گونه تشدید تنش در منطقه، پیامدهایی در سراسر منطقه و کل جهان خواهد داشت. سخنگوی وزارت خارجه قطر تأکید کرد: وضعیت تنگه هرمز باید به قبل از بحران بازگردد و ما بر ضرورت آزادی دریانوردی در آن تأکید داریم.

■■■

چین:

با تحریم یک جانبه مخالفیم، از منافع خود دفاع می‌کنیم

پس از آنکه آمریکا نیز لایحه «خردکننده‌ترین» فشار اقتصادی به ایران را اعلام و طرف های تجارت با ایران را به انزوای اقتصادی تهدید کرد، چین گفت که با تحریم «یک جانبه و غیرقانونی» مخالف است و از منافع خود «قاطعانه» دفاع خواهد کرد. سخنگوی وزارت امور خارجه چین گفت جنگ اقتصادی و سیاست های اعمال «فشار حداکثری» به حل مشکلات کمک نمی کنند و تنها مناقشه را تشدید می کند.

■■■

پیمان جبلی:

درباره ماندنم در صداوسیما خبری ندارم، تابع نظر رهبری هستم

رئیس سازمان صداوسیما تصریح کرد: نه از ماندن خبر دارد و نه از تغییر تیمی که هم اینک در کنار او بر مسند کار است و تاکید کرد هر تصمیمی در این زمینه تابع نظر رهبر معظم انقلاب خواهد بود. به گزارش ایسنا، پیمان جبلی که در حاشیه اختتامیه جشنواره تلویزیونی مستند با خبرنگاران گفت‌وگو می کرد، در پاسخ به پرسشی درباره ی گمانه‌زنی ها مبنی بر تمدید ماندنش بر مسند ریاست صداوسیما تا یک سال دیگر و همچنین نقدهای اخیر وارد شده به عملکرد رسانه ملی، از جمله انتقادات اخیر رئیس مجلس و خانواده شهید تندگویان، اظهار کرد: ما در این دوره پنج ساله خوادث و اتفاقاتی را پشت سر گذاشتیم که هر یج دوره مدیریتی سازمان صداوسیما، نه به لحاظ کمی و نه کیفی، تجربه نشده بود. سازمانی با امکانات ثابت و حتی کمتر نسبت به دوره های قبل، در مواجهه با حجم عظیمی از مشکلات و چالش ها قرار گرفت و طبیعتاً نمی توانست صد در صد به وظایف خود عمل کند.

■■■

نیویورک تایمز:

دیپلمات‌های آمریکایی به سفارتخانه‌های خاورمیانه بازمی‌گردند

روزنامه نیویورک تایمز گزارش داد که وزارت امور خارجه ایالات متحده در حال آماده شدن برای بازگرداندن دیپلمات هایش به منطقه است که قبل در طول حملات علیه ایران، منطقه را ترک کرده بودند. در این گزارش آمده است که بازگشت افسران سرویس خارجی و کاهش اقدامات اضطراری در ماموریت های ایالات متحده در منطقه می تواند از چند روز آینده آغاز شود. نیویورک تایمز به نقل از مقامات وزارت امور خارجه آمریکا گزارش می دهد که با وجود مذاکرات متوقف شده بین ایالات متحده و ایران در مورد تمدید آتش بس، جابجایی کارکنان در سفارتخانه ها نشان دهنده کاهش تنش هاست.

واکنش ها به اظهارات سقاب اصفهانی درباره مافیای پرقدرت «قاچاق سوخت» ادامه دارد:

دولت، مغلوب نبرد سایه‌ها و شیشه‌ها

طهمورث گیلانی

در روزهایی که ناترازی انرژی، از بنزین و گازوئیل گرفته تا برق، سفره و آسایش مردم را نشانه رفته است، اظهارات اخیر معاون رئیس جمهور درباره «شیشه‌هایی که ممکن است شکسته شوند»، ابعاد تازه‌ای از نفوذ مافیای ثروت و قدرت در لایه‌های مدیریتی کشور را عیان کرده است. مادر این مملکت به شنیدن بیانیه‌های آتشین، بازی‌های گمثمانی و نمایش‌های پوپولیستی عادت داریم، اما آنچه در روزهای اخیر از زبان اسماعیل سقاب اصفهانی، رئیس سازمان بهینه‌سازی مصرف سوخت و مدیریت راهبردی انرژی شنیدیم، از جنس دیگری است. او با زبانی آشفته گرایانه گفت: «هر دو جناح سیاسی کشور در قاچاق سوخت دست دارند و اگر بخواهم دکان آنها را تعطیل کنم، شیشه‌هایم را خرد می کنند.» این سخنان، یک اظهار نظر معمولی، یک آسیب‌شناسی ساختاری یا یک تحلیل سیاسی ساده نیست؛ ادعایی سنگین درباره مشارکت جریان‌های سیاسی کشور در یک فساد سازمان یافته چندمیلیارد دلاری است. اما سوال اساسی افکار عمومی این است: آیا جامعه ما یک «قهرمان مبارزه با فساد» و رهبر و است که به مصاف مافیا رفته، یا نمایشی تکراری؟

این شگرد در سالهای اکنونی شاخته شده برای تغییر جایگاه از «بلیسک گو» به «صدی» است. همان طور که پیش‌تر در ماجرای انتقاد از کیفیت خودروهای داخلی شاهد لحنی مشابه بودیم، اکنون نیز ارائه آمرس های کلی از مافیای سوخت، محرمانه جلوه دادن اطلاعات و استفاده از ادبیات افشاگرانه، بیشتر تلاش برای سرپوش گذاشتن بر ناکارآمدی به نظر می رسد. ساختن چنین زمینی شاید در فضای مجازی چندروزی گرد و خاک به پا و توجه شبکه حامیان را جلب کند، اما عدم تناسب سوابق گفته شده با مسئولان مدیریتی و شوک های کلامی قابل پنهان سازی نیست.

ردپای قدرت در دکان‌های قاچاق

قاچاق سوخت در ایران، طبق آمارهای رسمی، دیگر یک تجارت خرد توسط افراد بی‌بضاعت مرزنشین نیست. سال گذشته سردار حسین رحیمی رئیس پلیس امنیت اقتصادی فراجا در این باره گفت: «حالا ترین حجم قاچاق خروجی مربوط به فرآورده‌های نفتی با حجم ۲.۵ میلیارد دلار در سال است. روزانه بیش از ۲۰ میلیون لیتر سوخت از کشور قاچاق می‌شود که ارزش آن بیش از هزار میلیارد تومان است». نکته تکان دهنده در اظهارات پلیس این است که سود این بادها به قدری کلان است که جریمه‌های ۱۱ هزار میلیارد تومانی را در کمتر از دو ساعت به صورت نقد پرداخت می کنند. به عبارت دقیق‌تر، وقتی دادگاه برای متهم اصلی یکی از این بادهای قاچاق سوخت جریمه سنگینی در نظر گرفت، این متهم مبلغ را فوراً به حساب قوه قضائیه واریز کرد.

این حجم از نقدینگی و قدرت مانور، قطعاً بدون اتصالات خاص و نفوذ در بدنه اجرایی و نظارتی امکان پذیر نیست. جواد امام، سخنگوی جبهه اصلاحات، در واکنش به اظهارات اخیر سقاب اصفهانی نوشت: «اگر برای این ادعا سند دارید، آن را فوراً به قوه قضائیه، نهادهای نظارتی و مراجع ذی‌صلاح ارائه کنید و نتیجه اقدامات قانونی را نیز به مردم اعلام نمایید. اگر افراد، مدیران، واسطه‌ها، صاحبان منافع یا جریان‌های سیاسی مشخصی در این پرونده دخیل‌اند، نام، سمت، وابستگی، نقش و مستندات مربوط را روشن و بدون ابهام بیان کنید. بیش از نیز از قاچاق روزانه ۲۰ میلیون لیتر بنزین سخن گفته شده است. اگر چنین حجم عظیمی از سوخت قاچاق می‌شود، باید روشن شود این سوخت چگونه از شبکه رسمی خارج می‌شود، چه کسانی در زنجیره تولید، انتقال، توزیع و فروش آن نقش دارند و چه کسانی از این تجارت سود می‌برند؟ نمی‌توان هم مدعی شناختن «دکان» قاچاقچیان بود، هم از تهدید به شکستن شیشه‌ها سخن گفت. اما آمرس دکان و نام دکان داران را اعلام نکرد. شما در جایگاه یک شهروند عادی سخن نگفته‌اید؛ مقام رسمی دولت هستید و اظهارات آنان برای جامعه، بازار، دستگاه‌های اجرایی و نهادهای قضایی آثار مستقیم دارد. ادعای فساد، بدون سند، اتهام است و اتهام از سوی مقام رسمی، مسئولیت سیاسی و حقوقی به همراه دارد.»

کار «آدم‌های معمولی» نیست

با این همه آنتاقاتی که نسبت به سقاب اصفهانی مطرح می‌شود، نمی‌توان اصل موضوع را نادیده گرفت. سال هاست که از دستهای پنهان در زمینه قاچاق صحبت می‌شود. بحران انرژی نیز در ایران تنها به سوخت‌های قسیلی محدود نمی‌شود. در حالی که مردم با قطعی برق در تابستان دست و پنجه نرم می‌کنند، کارخانه‌ها تعطیل و صنایع خاموشند؛ پدیده‌هایی نظیر مزارع غیرمجاز استخراج رمزارز، ابعاد دیگری از این فساد سازمان یافته را نمایان می‌کند. طبق گزارشی که ایسنا منتشر کرده است، ماینینگ غیرمجاز عامل ۳۰ درصد از ناترازی برق کشور است. مجری نظارت و ساماندهی استخراج رمزارز این شرکت توانیر با بیان اینکه برآورد‌ها از مصرف بیش از ۲۰۰۰ مگاوات ماینینگ غیرمجاز در کشور حکایت دارد، گفت: «این میزان مصرف می‌تواند بین ۲۰ تا ۳۰ درصد ناترازی برق کشور را به خود اختصاص دهد و با وجود افزایش روند کسشفیات، نبود بازدارندگی کافی در برخورد‌های قانونی موجب تداوم و افزایش این پدیده شده است.»

نکته حائز اهمیت اینجاست که رانت‌بازی مزارع بزرگ استخراج رمزارز با مصرف‌های چندمگاواتی، کار چندنفر آدم معمولی یا خانگی نیست. اتصال به شبکه‌های فشار قوی، نصب ترانزیتورهای عظیم و پنهان ماندن از دید ناظران برای مدت طولانی، نیازمند «نفوذ» و رانت‌هایی است که دقیقاً به شبکه قاچاق سوخت در دستان قدرتمندان قرار دارد. این مزارع در کنار قاچاق روزانه ۲۰ میلیون لیتر بنزین قطعات یک پارامتر بزرگ هستند که نشان می‌دهند ثروت ملی در حال بلعیده شدن توسط شبکه‌هایی است که به جای تولید، بر سر رانت ارتزاق می‌کنند. این موضوع سال هاست که مطرح می‌شود، اما جرا همواره با «معلول» برخورد می‌شود و «علت» که همان دست‌های پشت پرده است، مصون می‌ماند؟ چگونه است که یک کارگاه کوچک برای یک تخلف جزئی پلمب می‌شود، اما قاچاق سوخت با منبع ها بزرگ و مزارع استخراج رمزارز با تجهیزات پیشرفته و مصرف معادل یک شهر کوچک، ماه‌ها و سال‌ها به فعالیت خود ادامه می‌دهند؟ اینجاست که نقش «قدرت‌های پنهان» پررنگ‌تر از همیشه جلوه می‌کند.

پدیده قاچاق میلیون‌هالیتر سوخت و فعالیت مزارع عظیم‌مزارز که ناترازی شدید انرژی را به همراه داشته، کار چندنفر آدم معمولی نیست و ریشه در اتصالات قدرتمندی دارد که سال هاست در سایه نفوذ سیاسی خود ارتزاق می‌کند

مملکت فقط یک معاون رئیس جمهور دارد؟

سقاب اصفهانی در اظهارات اخیرش، دلیل عدم برخورد با مافیای چند میلیارد دلاری را ترس از «شکسته شدن شیشه‌های دفترش» عنوان کرده است. اما جطور می‌توان سخن از مبارزه با فساد زد، اما خط قرمز را رعایت کرد؟ این خط قرمزها چه کسانی هستند که دستان معاون رئیس جمهور را این چنین می‌بندند.

مگر این مملکت فقط یک معاون رئیس جمهور دارد که باید تمامی بار مبارزه با فساد را به دوش بکشد؟ نهادهای امنیتی، قوه قضائیه، سازمان بازرسی و پلیس امنیت اقتصادی کجا هستند؟ وقتی یک مقام رسمی از تهدید سخن می‌گوید، یعنی مافیا به جنان در جه‌ای از گستاخی رسیده که ساختار رسمی را به مبارزه می‌طلبد. سردار احمد رضا دال، فرمانده کل فراجا سال گذشته در این باره تاکید کرده بود: «قاچاقچیان به دلیل سود سرشار قاچاق سوخت حتی به خود اجازه می‌دهند که با خودروی مأمور امنیت عبور کنند؛ زیرا اگر خسارتی هم به آنها وارد شود، سود قاچاق آن را جبران می‌کند. سود قاچاق سوخت آن قدر سنگین است که هر بار تلاش می‌کنیم مقررات جدیدی وضع کنیم، صاحبان شبکه‌های قاچاق برخی افراد را تحریک می‌کنند تا در برابر اجرای ضوابط مقاومت کنند.»

ریشه‌های هفتاد ساله و ضرورت اصلاحات ساختاری

در کنار بحث مافیا، نباید از اشتباهات استراتژیک در حوزه انرژی غافل شد. سقاب اصفهانی به نقد توسعه گسترده شبکه گاز در هفت دهه گذشته پرداخته و معتقد است رساندن گاز به دورافتاده‌ترین نقاط بدون توجه به آمایش سرزمینی، فشار زیادی بر منابع گذاشته است. او می‌گوید گاز طبیعی می‌توانست خوراک صنایع پتروشیمی باشد، نه اینکه در بخاری های کم‌بازده بسوزد. از سوی دیگر، ظرفیت صرفه‌جویی ۱۰ درصدی در کشور معادل ۹۰۰ هزار تا ۱ میلیون بشکه نفت خام است که می‌تواند ناترازی را جبران کند. او یادآوری کرده که گاز طبیعی می‌توانست بیشتر به عنوان خوراک صنایع پتروشیمی و زنجیره‌های ارزش به کار رود، نه اینکه سال‌ها در مصرف خانگی و در سیستم‌های کم‌بازده حرارتی بسوزد در کنار این، برخی مناطق می‌توانستند با تکیه بر باد و خورشید به سمت الگوی دیگری از تامین انرژی بروند.

اما آیا تغییر رفتار مردم با اصلاح شبکه گاز، بدون کوتاه کردن دست مافیا ممکن است؟ رانت قاچاق سوخت آن قدر باد است که دست‌های پشت پرده با ایجاد هیاهوی رسانه‌ای، هر گونه اقدام اصلاحی دولت را با چماق «ایجاد نارضایتی عمومی» به چالش می‌کشند تا دولت هاز ترس شورش، جرأت ورود به اصلاحات قیمت و ساختار را پیدا نکرده و در نتیجه، در همچنان به پاشنه‌ای که باندهای قاچاق سوخت می‌خواهند می‌چرخد. رضا سیهوند، عضو کمیسیون انرژی مجلس، می‌گوید: «برخورد‌های قهری بدون رفع علت اصلی کار ساز نیست. چرا که قاچاقچیان با منابع مالی خود، برخی عوامل را در دستگاه‌ها با خود همراه می‌کنند. این یک واقعیت انکارناپذیر است.»

مطالبه افکار عمومی شفاف است: با اسناد و نام‌های «آفازاده‌ها» و جریان‌های سیاسی دخیل را به مردم و قوه قضائیه ارائه دهید، یا بپذیرید که قدرت مافیاز قدرت صندلی‌های مدیریتی شما بیشتر است. ایران امروز نیازمند مدیرانی است که به جای نگرانی برای شیشه‌های دفترشان، نگران سفره‌های مردمی باشند که هزینه این قاچاق و ناترازی را با تورم و تاریکی پرداخت می‌کنند

سرنوشت بیت‌المال در گرو شفافیت

مسئله سقاب اصفهانی دیگر فقط مسأله یک فرد نیست؛ بلکه عیاری برای سنجش ادعای کار آمدی در برخورد با فساد سیستماتیک است. جامعه دیگر کشش شنیدن ادعاهای تکراری و مبهم را ندارد. اگر «دکان» قاچاقچیان شناخته شده است، آمرس دادن به مراجع قضایی وظیفه قانونی است، نه یک انتخاب شخصی. اعتراف صریح به نداشتن شجاعت در حفظ بیت‌المال به خاطر ترس از شیشه‌ها، در عرف مدیریتی به معنای پایان صلاحیت است. هنگامی که یک مقام ارشد اجرایی، انفعال خود در مواجهه با مفاسد چندمیلیارد دلاری را به خطرات احتمالی یا آسیب دیدن مغر مدیریتی‌اش گره می‌زند، در واقع هزینه‌ی این محافظه‌کاری را مستقیم به جامعه صرفه‌رم‌ده منتقل می‌کند. هیچ منطق مدیریتی نمی‌پذیرد که مصلحت شخصی یا اداری یک مسئول، بر ضرورت سامان‌دهی منابع ملی و حفظ سرمایه‌های کشور ارجحیت یابد. برخورد با زنجیره قاچاق نیازمند اراده قضایی و شفافیت اجرایی است. نه طرح ادعاهایی که تنها به سلب اعتماد عمومی می‌انجامد. شاید سهم دولت تنها اطلاع‌رسانی باشد اما قدم اول باید در داشته شود. تا ببینیم بقیه نهادهای حاکمیتی چه اقدامائی خواهند داشت؟

پرونده قاچاق میلیاردی سوخت و ناترازی برق نشانی از رمزارزهای سازمان یافته، یا شیوه‌ای تصویری حل نمی‌شود. مطالبه افکار عمومی شفاف است: یا اسناد و نام‌های «آفازاده‌ها» و جریان‌های سیاسی دخیل را به مردم و قوه قضائیه ارائه دهید، یا بپذیرید که قدرت مافیا از قدرت صندلی‌های مدیریتی شما بیشتر است. ایران امروز نیازمند مدیرانی است که به جای نگرانی برای شیشه‌های دفترشان، نگران سفره‌های مردمی باشند که هزینه این قاچاق و ناترازی را با تورم و تاریکی پرداخت می‌کنند. مبارزه با فساد از اتاق‌های تاریک و مصاحبه‌های مبهم عبور نمی‌کند؛ این نبردی است که تنها در صحن شفافیت و با حمایت واقعی از نهادهای نظارتی به پیروزی می‌رسد. پرونده قاچاق سوخت و مافیای انرژی، آزمونی بزرگ برای دولتی است که با شعار عدالت و وفاق روی کار آمده است. اگر قرار باشد شیشه‌های دفتر یک مسئول، مرز مبارزه با فساد باشد، باید فاتحه عدالت را خواند. مردم پاسخ روشن، سند معتبر، اقدام قضایی و نتیجه قابل مشاهده می‌خواهند، نه قصه‌هایی از ترس و تهدید که تنها هیبت مافیا را در چشم جامعه بزرگ‌تر جلوه می‌دهد.

گزارش

بیانیه مشترک ایران و سلطنت عمان:

مذاکرات فنی تهران و مسقط بر سر اداره آینده تنگه ادامه خواهد یافت

جمهوری اسلامی ایران و سلطنت عمان در چارچوب رایزنی های دو کشور درباره از سرگیری دریانوردی ایمن در تنگه هرمز بر ایجاد یک کریدور موقت مشترک در دریانوردی و اجرای پروژه‌ای مشترک برای پاکسازی مین‌های این تنگه توافق کردند.

به گزارش «انتخاب»، همزمان با پایان سفر وزیر خارجه عمان به تهران، وزارت خارجه‌های دو کشور امروز سه‌شنبه ۳ شهریور ماه بیانیه مشترک مطبوعاتی صادر کردند. متن این بیانیه به شرح زیر است:

جناب آقای «سیدبدر بن حمد بن حمود البوسعیدی» وزیر امور خارجه عمان، در یک سفر کاری به جمهوری اسلامی ایران با همتای ایرانی خود، جناب آقای دکتر «سید عباس عراقچی» رایزنی های سازنده‌ای انجام داد.

این رایزنی ها بر اهمیتی که هر دو کشور برای از سرگیری دریانوردی ایمن از طریق تنگه هرمز، با حفظ حاکمیت و حقوق حاکمیتی خود، قائل هستند، متمرکز بود. دو وزیر با توجه به وضعیت کنونی در تنگه که ناشی از جنگ اخیر و پیامدهای فاجعه‌بار آن است، چارچوبی مرحله‌بندی شده را مورد بحث قرار دادند که می‌تواند مبنایی عملی و قابل اجرایی پیشبرد امور فراهم کند. چارچوب پیشنهادی شامل ایجاد یک کریدور دریانوردی موقت مشترک از طریق تنگه هرمز و توافقی برای اجرای یک پروژه مشترک به منظور پاکسازی تنگه از مین است. مذاکرات فنی میان دو طرف با هدف توافق بر سر یک کریدور دریانوردی دائمی و اداره آینده تنگه و همچنین سازوکاری برای تبادل اطلاعات، مدیریت ترافیک و ارائه خدمات دریانوردی و امنیتی مربوطه ادامه خواهد یافت.

در این راستا، هر دو طرف بر اهمیت برگزاری گفت‌وگوهای مشترک با کشورهای منطقه هم مرز با آب‌های خلیج فارس تأکید کردند. آن‌ها همچنین بر لزوم رعایت حقوق بین‌الملل قابل اعمال و احترام به حقوق حاکمیتی کشورهای ساحلی تأکید ورزیدند.

گفت و گو

کارشناس مسائل بین‌الملل:

عاصم منیر شاید آخرین شانس احیای تفاهم باشد

یک کارشناس مسائل بین‌الملل درباره فشار اقتصادی آمریکا علیه ایران گفت: مسئله اکنون این است که گویا آمریکا قصد دارد از تحریم هم فراتر برود؛ چرا که الان صحبت دیگر صرفاً از تحریم نیست، تحریم در واقع به عنوان یکی از بخش‌های سیاست جدید مطرح است. صحبت از «عملیات اقتصادی» و «جنگ اقتصادی» می‌کنند. بخش مهمی از عملیات اقتصادی و جنگ اقتصادی، همان محاصره دریایی است و بخش دیگرش بنادر است که دارند درباره فشار به کشورها برای این که با ایران کار نکنند، صحبت می‌کنند. حالا روشن نیست اینکه می‌گویند با ایران کار نکنند، آیا منظورشان این است که در واقع معافیت‌های تحریمی را هم متنفی کنند یا نه. یعنی متلاً اگر قرار باشد که آیا ایران از مسیرهای ترکیه و پاکستان برای حمل و نقل استفاده کند، آیا به ترکیه و پاکستان فشار می‌آورند که اجازه حمل و نقل ندهند؟

کوروش احمدی کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا درباره ارزیابی‌اش از سفر عاصم منیر به تهران گفت: شاید این سفر یکی از آخرین تلاش‌هایی از این باشد که امکان احیای آن یادداشت تفاهم فراهم شود. به هر حال، عاصم منیر در بهترین موقعیت برای انجام این کار و اینکه می‌تواند مذاکرات را پیش ببرد، قرار دارد چرا که هم نزد ترامپ و هم نزد مقامات ایران مورد چهره‌ای مقبول و قابل اعتماد است و موقعیت خوبی دارد.

وی ادامه داد: ترامپ به نوعی روابط گرمی با ایشان دارد و در میان میانجی‌هایی که در منطقه می‌شناسیم، در بهترین موقعیت قرار دارد. بنابراین اصل این است که در نظر خود ترامپ و فکر می‌کنم به لحاظ دیپلماتیک و سیاسی در دو کشور زمینه‌ای هم برای انجام تلاشی دیگر وجود دارد. منتهی مسئله اصلی این است که اگر او در سفر به تهران حامل پیامی بوده، محتوای پیام چه بوده است. تحقق پیشرفت در کار بستگی به محتوای پیام دارد.

این کارشناس مسائل بین‌الملل گفت: اختلافات و موارد اختلافی بین طرفین که موجب تعلیق اجرای یادداشت تفاهم، از سر گیری جنگ به صورت مقطعی و وضعیت حالت نه جنگ و نه صلح فعلی شده است، مشخص است که دلیلش چه بوده. حالا باید دید آیا پیامی وجود دارد که بتواند مبنایی باشد برای اینکه اختلافاتی که وجود دارد برطرف شود یا نه.

احمدی درباره احتمال بازگشت به میز مذاکره با ایران گفت: این بستگی دارد به اینکه آیا موضع طرفین تعدیلی پیدا می‌کند یا نه؛ آیا طرفین حاضر خواهند شد که قدری انعطاف نشان دهند یا نه. در واقع، صورت مسئله این است که اختلافاتی در مورد تفسیر ماده ۱ و ماده ۵ یادداشت تفاهم وجود دارد به این صورت که هر یک از طرفین تفسیری حداکثری از محتوای این دو ماده دارند. حال اگر آن ها حاضر شوند قدری تفسیر حداکثری را تعدیل کنند، امکان احیای یادداشت تفاهم و از سر گیری روند اجرای یادداشت تفاهم وجود دارد. ولی در حال حاضر باید دید این تفاسیر حداکثری که طرفین دارند تغییر می‌کند یا نه.

وی گفت: در تهران، طی چند روز گذشته بعضی مقامات درباره شرایط خاص کشور و ضرورت اجرای یادداشت تفاهم صحبت کرده‌اند. منتهی باید دید آیا این نظر فقط متعلق به همین مقامات است که درباره این موضوع صحبت کردند، یعنی آقای پزشکیان و آقای قالیباف و احتمالاً آقای عراقچی، یا اینکه کل حاکمیت ممکن است با چنین نظری که آقایان مطرح کرده‌اند موافق باشد. اگر چنین باشد طبعاً متناسب با آن هم در این صورت باید آمادگی برای انعطاف هم وجود داشته باشد. اگر انعطاف نباشد در واقع در همان وضعیتی هستیم که تا حالا بودیم.

این کارشناس مسائل بین‌الملل در بخش دیگری از صحبت هایش درباره فشار حداکثری آمریکا و اینکه ترامپ احتمال همراهی کشورها و تشکیل ائتلافی از سوی آمریکا در این زمینه گفت: بحث ائتلاف نیست. بحث الزام است. تحریم‌ها که تا حالا بود و خیلی جایی هم برای تشدید تحریم‌ها وجود ندارد و تا کنون هم به هر حال کشورها عملاً راه‌های جزایر لنکه در چارچوب تحریم‌ها ایران کار کنند نداشتند. متلاً عراق خرید انرژی، برق و گاز را که از ایران داشته، پولش را نمی‌تواند پرداخت کند. حداکثر در چارچوب تحریم، برای یکسری خریدهای کالاهای غیر تحریمی می‌شود از این پول استفاده کرد یا به هر حال سیره‌ای که در قطر است، قطر نتوانسته آن را به خاطر تحریم‌ها ایران منتقل کند. یعنی الزام تحریم به هر حال وجود داشته و دارد و کشور هانمی توانند از آن عدول کنند برای اینکه در معرض خطر مشکلات اقتصادی و ایجاد مشکل در روابط اقتصادی شان با آمریکا قرار می‌گیرند.

احمدی گفت: مسئله اکنون این است که گویا آمریکا قصد دارد از تحریم هم فراتر برود؛ چرا که الان صحبت دیگر صرفاً از تحریم نیست. تحریم در واقع به عنوان یکی از بخش‌های سیاست جدید مطرح است. صحبت از «عملیات اقتصادی» و «جنگ اقتصادی» می‌کنند. بخش مهمی از عملیات اقتصادی و جنگ اقتصادی، همان محاصره دریایی است و بخش دیگرش هم این است که چند روز است که دارند درباره فشار به کشورهایی که با ایران کار نکنند صحبت می‌کنند. حالا روشن نیست اینکه می‌گویند با ایران کار نکنند، آیا منظورشان این است که در واقع معافیت‌های تحریمی را هم متنفی کنند یا نه. یعنی متلاً اگر قرار باشد که آیا ایران از مسیرهای ترکیه و پاکستان برای حمل و نقل استفاده کند، آیا به ترکیه و پاکستان فشار می‌آورند که اجازه حمل و نقل ندهند؟

وی ادامه داد: بنابراین، باید دید سیاست‌های جدیدی که توسط آمریکا اعلام شده به چه شکل اجرایی شود و ترامپ چه انتظاری ممکن است از این کشورها داشته باشد. وقتی آمریکا می‌گوید با ایران همکاری نکنند، این عدم همکاری تا چه حدی منظور است؟ آیا در همان محدوده تحریم‌ها و مقررات تحریمی است یا فراتر از آن؟ متلاً شرکت‌های چینی که تا حالا تحریم نبوده‌اند، آیا قرار است تحریم شوند؟

احمدی همچنین درباره احتمال پیوستن ایران به تفاهم نامه مکه گفت باید دید هدف از پیمان مکه چیست. من فکر می‌کنم هدف اصلی این پیمان، پیشگیری از حمله به عربستان است. این اصل نظری است که فکر می‌کنم عربستان به دنبال حل آن از طریق این پیمان بوده است.

این کارشناس مسائل بین‌الملل گفت: در نتیجه، اگر ایران به این پیمان بپیوندد، به این معنی است که ایران فکر حمله به کشورهای منطقه و مشخصاً عربستان را نداشته باشد و متلاز تهدیدی در این مورد در برابر تهدید آمریکا به حمله به زیرساخت‌های ایران، به عنوان یک اهرم بازدارندگی در مقابل آمریکا استفاده نکند. هدف این بوده که این اهرم با بازدارندگی از ایران گرفته شود. حالا اگر ایران قبول کند که در این شرایط، حتی اگر زیرساخت‌های ایران مورد حمله قرار بگیرد، به عربستان حمله نخواهد کرد، مشکل حل می‌شود و از پیوست ایران به پیمان مکه هم ممکن استقبال شود. به هر حال ایران به اهرمی برای بازدارندگی نیاز دارد و یکی از اهرم‌های جدید همین تهدید به حمله به کشورهای منطقه در صورت حمله به زیرساخت‌های ایران است؛ یعنی اگر به زیرساخت‌های ایران حمله شود، یکی از اهرم‌ها همین است که به زیرساخت‌های کشورهای منطقه حمله شود. اگر ایران بپذیرد که تهدید حمله به عربستان را کنار بگذارد، بخشی از این اهرم بازدارندگی خود را از دست می‌دهد.